



پیام سفر مقامات ارشد دولت به مسکو، پکن، وین و... چیست؟

دییلمعاسی در مسیر واقع‌گرایی

منطقه آمریکای جنوبی افزایش یافت. اکنون نیز با پایان یافتن دولت روحانی و روی کار آمدن دولت سیزدهم، عزم به ایجاد روابط راهبردی با کشورهای آمریکای جنوبی در دولتمردان ایرانی مجدد احیاشده‌است. در چندماه گذشته در نخستین گام «فلیکس رامون پلاسینسیا گونزالس» وزیر امور خارجه ونزوئلا به تهران سفر وبامقامات کشورمان دیدار کرد، یکی از نکات مهم این سفر مطابق اظهارات امیرعبداللهیان، توافقات اولیه میان طرفین برای ترسیم نقشه‌راه همکاری های ۲۰ساله میان تهران و کاراکاس است. علاوهبر این مورد، سفر اخیر محسن رضایی، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور به نیکاراگوئه برای شرکت در مراسم تحلیف «دانیل اورتگا» و دیدار با رئیس‌جمهور و جمعی دیگر از مقامات نیکاراگوئه‌ای رانیز می‌توان در راستای احیای تعاملات سیاسی واقتصادی با کشورهای منطقه آمریکای لاتین برشمرد.

تعامل با عربستان سعودی

از دیرباز روابط ایران و عربستان سعودی دارای فراز و فرود بوده و البته گاهی بان تنش بسیار. اوج این تنش در ماجرای کشتار حاجیان توسط نیروهای امنیتی عربستان در سال ۱۳۶۶ رخ داد و تاکنون نیز این منازعه ادامه داشته است.

بعد از پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال ۹۲ عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی به‌عنوان یکی از اولین رهبران سیاسی دنیا به وی تبریک گفت و روحانی در پاسخ به این تبریک ابراز امیدواری کرد ایران و عربستان با کمک یکدیگر بتوانند ثبات را به منطقه خاورمیانه بازگردانند و حتی در نخستین نشست شورای ایش که در ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ انجام شد، عربستانی‌ها را برادر خود خواند. علی‌رغم وجود چنین زمینه‌هایی این تعامل هیچ‌گاه در دولت روحانی از این حد فراتر نرفت و مواردی چون فاجعه منادر سال ۹۴ بر تیرگی روابط دو کشور افزود.

دولت سیزدهم اما از زمان آغاز به کار خود تعامل با کشورهای همسایه ازجمله عربستان را در دستورکار قرار داده است.

سیدابراهیم رئیسی در نخستین کنفرانس خبری خود ضمن اینکه توقف حملات خارجی به‌یمن را لازم دانست درمورد روابط دیپلماسی با عربستان نیز گفت ایران مانع بازگشت این روابط نیست. درمقابل طرف عربستانی نهنتها برخلاف انتخابات ۹۲ پیام تبریکی برای رئیس‌جمهور منتخب ایران صادر نکرد، بلکه فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان درباره نتیجه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران و تعامل عربستان سعودی با تهران در این مرحله اظهار داشت که عربستان تعاملات خود را براساس واقعیت‌های موجود روی زمین بنامی کند. او ادامه صحبت‌هایش با ابراز نگرانی درمورد برنامه هسته‌ای ایران تلویحا واقعبت موجود را از نگاه خود شرح داد.

با وجود اینکه ریاست‌جمهوری رئیسی برخلاف روحانی -بدون پیام تبریکی از جانب طرف سعودی آغاز شد، این دولت سیزدهم است که برخلاف تنش‌های لفظی در آستانه پنجمین دور مذاکرات با عربستان قرار دارد.

مذاکراتی که مطابق گفته‌امیرعبداللهیان «وزیر امور خارجه کشورمان در آن پیشنهادهای سازنده و عملی از سوی ایران ارائه شده و طرف سعودی نیز با نگاه مثبت آنها را مورد بررسی قرار داده است.

پنخشینه‌هفته گذشته وزیر امور خارجه کشورمان در جریان نشست خبری مشترک با همتای عراقی خود اعلام کرد عربستان باصطور ویرا برای سه دیپلمات ایرانی جهت حضور در جده موافقت کرده است.

گفت‌وگو

که می‌دانید، روس‌ها با وجود اینکه این کشور از سال ۲۰۱۴ تحت تحریم است، در حوزه سیاست‌های ضدتحریمی و دیپلماسی اقتصادی برنامه‌مناسبی را جلورده‌اند. برای مثال واکنش روسیه در باره تهدید آمریکا قابل توجه بود. غربی‌ها گفتند اگر روسیه فعالیتی در حوزه اوکراین داشته باشد، ولادیمیر پوتین را تحریم می‌کنند، روسیه هم اعلام کرد اگر هم چنین تخیلی که به ذهن‌شان آمده است را به قلم بیاورند، کل روابط‌شان با آمریکا را قطع می‌کنند، که البته این یک پیام بسیار مهمی به‌همراه داشت. این نشانه‌ها حاکی از آن است که روس‌ها یک برنامه راهبردی برای مقابله با تحریم‌ها دارند و این می‌تواند به ما هم در مسیر مقابله با تحریم‌ها کمک کند.

دستگاه سیاست خارجی برای استفاده هرچه بهتر از منافع این سفر در تعمیق روابط میان ایران و روسیه در جهت کاهش دادن اثر تحریم‌ها باید چه راهبردی داشته باشد؟

امیدوارم بحث سوئیفت روسی و بحث تبادلات قابل قبول مالی میان ایران و روسیه به‌سرعت عملیاتی شود که اگر این اتفاق بیفتد، دستاورد ویژه‌ای را شاهد خواهیم بود. ضروری است موارد مورد توجه روس‌ها برای توسعه روابط اقتصادی را هم موردبررسی قرار دهیم. موانع قابل‌رفع بر سر طرچی همچون راه‌گذر شمال جنوب که یک برنامه یادفند غیرعالمی و بسیار مهم برای ایران و روسیه محسوب می‌شود را برطرف کنیم. اگر این راه‌گذر تکمیل شود، می‌توانیم به درآمد فوق‌العاده ترانزیتی حاصل از آن برای ایران امیدوار باشیم. پیشنهاد من که می‌تواند ابتکار عملی هم ازسوی ما محسوب شود این است که همان طور که رئیس‌جمهور ما به دعوت روس‌ها به مسکو می‌رود، رئیسی هم پوتین را برای یک سفر اختصاصی به ایران دعوت کند. سفرهایی که تا به الان پوتین به ایران داشته، همگی برای شرکت در اجلاس‌ها بوده است و هنوز این فرصت پیش نیامده تا رئیس‌جمهور روسیه برای یک سفر اختصاصی به ایران بیایند. این اقدام می‌تواند فتح‌بای برای افزایش میزان همکاری و همکاری‌ها میان دو کشور باشد. اسناد دوجانبه میان ایران و روسیه نیز این پیام را به طرف غربی می‌رساند که ایران، محافظه‌کاری در حوزه سیاست خارجی را کنار گذاشته و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر عملگراست و برمبنای واقع گرایی، دیپلماسی متوازن و توسعه روابط باهمسایگان و برمبنای اصول عزت، حکمت و مصلحت تنظیم شده است که این مسیر، متفاوت از نگاه کاملاً غریگرایانه‌ای است که در دولت گذشته بر دستگاه سیاست خارجی حاکم بود.



سیاست حاکم بر این منطقه را به‌سمت فضای ضدآمریکایی پیش برد. در این سال‌ها احمدی نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران در سفر به بولیوی در زمینه نفت‌وگاز و در سفر به نیکاراگوئه در زمینه ساخت پالایشگاه، ساخت نیروگاه برق و احداث بندر و کمک به صنعت کشتیرانی این کشور موافقت‌نامه‌هایی را به‌امضارساند. این تفاهم‌ها باعث شد جبهه همکاری‌های مشترک میان جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه و بولیوی ایجاد شود. این جبهه مجموعه‌ای را در منطقه آمریکای لاتین ایجاد کرده که تا به‌امروز الگوی جدید سیاسی و اقتصادی را در منطقه به‌وجود آورده است. روابط میان ایران و کشورهای آمریکای جنوبی همواره به این منوال باقی نماند. علی‌رغم اینکه در زمان دولت دهم، ایران سعی کرد در منطقه آمریکای لاتین نفوذ کند و با کشورهای این منطقه ارتباط نزدیکی برقرار کند که ازجمله مزایای این ارتباط، تسهیل در ردن برخی تحریم‌های یک‌سویه از جانب کشورهای غربی بود، با شروع به کار دولت یازدهم، اقداماتی مانند تعطیلی دفتر شرکت ملی نفت ایران در دو کشور بولیوی و ونزوئلا، نشان می‌داد دولت روحانی تمایلی به ادامه روابط راهبردی ایران با کشورهای آمریکای جنوبی ندارد؛ این عدم تمایل تا سال‌های پایانی دولت تدبیر و امید ادامه یافت اما بعد از خروج آمریکا از برجام و کاهش صادرات نفتی ایران بار دیگر با صدور چهار فتکش حامل بیش از ۱/۵ میلیون بشکه بنزین و مواد پالایشی به ونزوئلا اگرچه دیر، توجه‌ها به کشورهای

مدت ۲۵ سال در دست خواهد داشت. بر این اساس چین ساخت دونبدر (حیفا و شهر ساحلی اشدود در نزدیکی تل آویو) را برعهده گرفته‌است. بندر کنونی اشدود در زمان حاضر میزبان حضور ناوگان ششم دریایی آمریکاست. چین همچنین در بازه زمانی ۱۵ ساله (سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ میلادی) در مجموع ۱۸۲ میلیارد دلار در خود آمریکا که بزرگ‌ترین رغیب اقتصادی چین محسوب می‌شود سرمایه‌گذاری کرده است. رقمی که به‌طور متوسط معادل ۱۲ میلیارد دلار در هر سال می‌شود.

سلامی دوباره به آمریکای لاتین

شاید در ذهن اکثر مردم تصویری که از تعاملات سیاسی واقتصادی ایران و آمریکای لاتین نقش بسته است به ونزوئلا محدود شود؛ اما ایران با بسیاری دیگر از کشورهای این منطقه تعاملات سیاسی واقتصادی دارد. برای بررسی دقیق تر تعاملات راهبردی میان کشورهای آمریکای جنوبی و ایران باید سه حدود یک‌دهه قبل بازگشت؛ در این زمان تهران متحد واقعی خود را در آمریکای جنوبی با روی کارآمدن چاوز در ونزوئلا پیدا کرد. بعد از چاوز این ارتباط با روی کار آمدن دولت‌های چپ ضدآمریکایی در سایر کشورها نیز گسترش یافت و نتیجه انتخابات بولیوی، اکوادور، نیکاراگوئه و چند کشور دیگر آمریکای لاتین نیز به‌گونه‌ای پیش رفت که روند

بازتاب گسترده‌ای هم در رسانه‌های جهان به‌خصوص رسانه‌های غربی داشت. ایران بعد از حدود ۶ سال انتظار و مقاومت در برابر کارزار فشار حداکثری آمریکا، عضویت دائمی در سازمان همکاری شانگهای را قطعی شده می‌دید. با این عضویت، ایران می‌تواند با کشورهای حاضر در این پیمان، بدون محدودیت تحریم‌ها به انجام مبادلات مالی و تجاری گسترده بپردازد. کشورهایی که در مجموع، ۴۲ درصد از جمعیت و ۲۸ درصد از تولیدات ناخالص جهان را در اختیار دارند و همچنین بیشترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در سراسر دنیا محسوب می‌شوند. عضویت در پیمان شانگهای، علاوهبر صرفه اقتصادی، از ابعاد سیاسی استراتژیک و دفاعی بسیار مهمی نیز مورد توجه است، زیرا این سازمان از ابتدا با هدف برقراری موازنه در برابر نفوذ آمریکا در منطقه تشکیل شده است و قطعی شدن عضویت دائمی ایران در این سازمان، به همان میزانی که می‌تواند برای اقتصاد کشور مفید و اثرگذار باشد، این پیام را به آمریکا و غرب مخابره کرد که راهبرد ایران در سیاست خارجه، از تمرکز کامل بر غرب، به یک دیپلماسی متوازن و فراگیر چرخش کرده است که پدیدآمدن این تغییر ریل در سیاست خارجی ایران، می‌تواند بزرگ‌ترین شوک به آمریکا در مساله دائمی شدن عضویت ایران در اجلاس شانگهای باشد. آمریکایی که حالا و بعد از دهه‌ها تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی، برای مهار ایران ابزاری جز تحریم ندارد.

فرصت اقتصادی چین

در جهان چندقطبی امروز اتکای صرف به مراده اقتصادی با چند کشور محدود باعث شکل‌گیری یک فضای انحصاری شده و جلوی تحقق منافع حداکثری کشورها را می‌گیرد. این نوع نگاه به مرادوات بین‌المللی رویکردی بود که به وضوح در عرصه سیاست خارجی دولت روحانی دیده می‌شدد. رویکردی که باعث شد تا کشوری مثل چین که در جهان امروز نفوذ اقتصادی زیادی پیدا کرده است درحاشیه مذاکرات برجامی دولت قرار گیرد. بهمن‌ماه سال ۹۴ روحانی حتی حاضر نشد برای استقبال از شی جین‌پینگ به‌فرواده‌ها برود و محمدجواد ظریف را به جای خود به این امر گمارد. این نوع برخورد با رئیس‌جمهور چین درحالی بود که روحانی بالافاصله چند روز بعد برای امضای چندین قرارداد تجاری خود شخصاً راهی فرانسه شد. سفری که قراردادهای ۱۱۸ هواپیمای ارباس از فرانسه در آن امضا شده بود. هواپیمایی که هیچ وقت به ایران تحویل داده نشدند. بی‌توجهی به مقامات چینی در این سفر باعث شد تا سفر ۳ روزه شی جین‌پینگ به ۲ روز کاهش یافته و امضای توافق بلندمدت نیز ۴ سال به تعویق بیفتد. توافقی که نه‌پایان سال ۹۸ بین دو کشور امضا شد و تاکنون نیز هنوز به مرحله اجرا نرسیده است.

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ۳۱ خرداد پس از انتخاب به این سمت در نشستی با حضور خبرنگاران در پاسخ به خبرنگار تلویزیون دولتی چین و انتظارش از رابطه بین دو کشور (اجرای سند برنامه همکاری جامع ایران و چین) را به‌عنوان تلاشی برای ایجاد روابطی خوب باچین برشمرد. سفر امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به چین را می‌توان گامی در راستای اجرایی کردن سند همکاری بین دو کشور برشمرد. درحالی توافق بلندمدت ایران و چین سال‌ها معطل مانده است که عربستان ورژیم صهیونیستی به‌عنوان دو متحد منطقه‌ای آمریکا نیز پیوستن به صف شرکای تجاری چین غافل نماندند. یک شرکت چینی با مرکزیت شانگهای برنده یک مناقصه صهیونیستی شده که براساس آن، از سال ۲۰۲۱ سرپرستی فعالیت‌های حیفا را به

دولت سیزدهم همزمان با جریان داشتن مذاکرات هسته‌ای وین، در عرصه سیاست خارجه و دیپلماسی اقتصادی روزهای پرکاری را تجربه می‌کند. در روزهای گذشته، حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران به‌منظور اجرای قرارداد ۲۵ساله میان ایران و چین به پکن سفر کرده است، رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی به‌منظور انعقاد تفاهنامه‌های مختلف اقتصادی و عمرانی با دولت بشار اسد به سوریه رفته است، محسن رضایی، دستیار اقتصادی رئیس‌جمهور در آمریکای جنوبی به‌سر می‌برد و در پایان این هفته نیز سید ابراهیم رئیسی، است، همزمانی با دعوت ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به مسکو سفر خواهد کرد. البته هنوز از جزئیات برنامه سفر رئیسی به روسیه و دیدار وی با پوتین چیزی در رسانه‌ها منتشر نشده است، اما پیش‌بینی می‌شود در این سفر تفاهنامه‌های مهمی درمورد مسائل اقتصادی، انرژی و دفاعی میان طرفین منعقد شود. پرکاری روزهای گذشته دولت سیزدهم در عرصه دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجه فارغ از نتایج مثبتی که می‌تواند در آینده برای کشورمان داشته باشد، از یک منظر مهم دیگر نیز قابل تحلیل و بررسی است، همزمانی این پرکاری با مذاکرات وین به دنیا و از همه مهم‌تر طرف‌های غربی حاضر در میز مذاکرات نشان می‌دهد که دیگر دولت سیزدهم برخلاف هشت سال گذشته در مدیریت کشور و تعاملش با جهان معطل نتیجه مذاکرات نخواهد ماند، البته تلاش دولت رئیسی به تعامل با سران سایر کشورهای غیر برجامی به این معنا نیست که دولت دیگر برای رفع تحریم‌ها و احقاق حقوق ملت ایران در مذاکرات وین برنامه‌ای ندارد، مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها همچنان مثل گذشته، جزء مهم‌ترین اولویت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجه است، اما در این میسان چیزی که تغییر کرده، راهبرد دولت در رفع و خنثی‌سازی تحریم‌هاست. در هشت سال گذشته روحانی و دولتش کل دنیا را در چند کشور غربی خلاصه می‌کردند، همین نگاه تک‌بعدی به عرصه سیاست خارجه باعث شده بود بسیاری از ظرفیت‌های مهم اقتصادی سیاسی در عرصه بین‌الملل برای ایران یا از بین برود یا در بهترین حالت سال‌ها معطل بماند؛ نتیجه اتخاذ چنین راهبردی درنهایت اثرگذاری حداکثری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران شد. اما در چندماه گذشته دولت رئیسی برخلاف دوران روحانی، سعی دارد با برقراری ارتباط با قدرتهای نوظهور جهان و همچنین احیای دیپلماسی اقتصادی با کشورهای منطقه ضمن افزایش درآمد‌های صادراتی خود، اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را تا حد امکان کاهش دهد. بر همین مبنا در چندماه گذشته شاهد اتفاقات مثبتی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجه برای ایران بوده‌ایم که در ادامه گزارش به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره خواهیم کرد.

پیمان شانگهای

نخستین دستاورد دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجه باعضویت در پیمان شانگهای جایی در همین نزدیکی رقم خورد، در منطقه اوراسیا. منطقه‌ای که در هشت سال مدیریت دولت‌های یازدهم و دوازدهم بر دستگاه سیاست خارجه کشور، کمتر به ظرفیت‌های آن برای مقابله با تحریم‌های غرب توجه شد. با حداقل اگر تعاملی هم میان ایران و کشورهای این منطقه وجود داشت، بسیار کمتر از ظرفیتی بود که می‌توانست فشار تحریم‌های آمریکا را خنثی کند و دیپلماسی اقتصادی ایران را فعال نشان دهد. در نخستین روزهای آغاز به کار دولت سیزدهم قلمی شدن عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای با موافقت اعضای عضو این سازمان

گفت‌وگو

با سفر امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان به چین و انتشار خبر قریب‌الوقوع بودن سفر رئیس‌ دولت سیزدهم به روسیه با دعوت ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور، وعده دولت سیزدهم درباره توجه بیش از پیش به ظرفیت کشورهای همسایه و تعامل بیشتر با شرق، راستی‌آزمایی شد. این درحالی است که دستگاه سیاست خارجی دولت رئیسی در مدت کمتر از ۶ ماه از آغاز کار، همزمان با ادامه دادن روند مذاکرات وین، برای افزایش سطح ارتباطات اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه و قدرت‌هایی مثل چین و روسیه نیز قدم‌هایی جدی برداشته است. درباره سفر قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور کشورمان به روسیه و ظرفیت‌هایی که این گونه سفرها در ادامه مسیر تعاملات میان دو کشور فعال خواهند کرد، گفت‌وگویی با روح‌الله مدبر، کارشناس مسائل اوراسیا داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

سفر رئیسی به روسیه به‌طور کلی تا چه میزان می‌تواند در سطح تعاملات ایران و روسیه اثرگذار باشد و چطور می‌شود عواید این اثرگذاری را در کوتاه‌مدت بر رشد تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی میان دو کشور شاهد بود؟

سفر رئیسی به قدراسیون روسیه از چند بعد حائز اهمیت است؛ یکی از این ابعاد، میزان توجه بالایی رسانه‌های روسی به این سفر است. درحال حاضر شاهد یک همگرایی بسیار مناسب در رسانه‌های روسیه درباره مسائل مربوط به توسعه مناسبات با ایران و افزایش روابط ایران و روسیه هستیم. اشتیاق طرف‌های روسی را برای این سفر می‌بینیم؛ ولی متأسفانه همزمان در تعدادی از رسانه‌های داخلی، شاهد رفتارهای غیرحرفه‌ای در این باره هستیم که آن را در برخی جریانات رسانه‌ای می‌بینیم و این، نشان‌دهنده آن است که برخی افراد، شرایط فعلی منافع ملی کشور را به‌درستی درک نکرده‌اند و قصد دارند دستاوردهای این سفر را به دلیل گرایش‌های سیاسی‌شان تحت‌تأثیر قرار دهند. البته نکته اینجاست که چه جریانات فریگرا شایعات را افزایش دهند و چه این گونه اقدام نکنند، این سفر در سطح بالایی از برنامه‌ریزی قرار دارد. بنای کرملین هم بر این است که مناسباتی که در دولت سیزدهم برمبنای دیپلماسی متوازن تنظیم شده است را تعمیق کند. ما در گذشته هیچ‌گاه در رسانه‌های روسی شاهد فضای منفی علیه روابط ایران و روسیه نبوده‌ایم یا حداقل اگر چیزی هم بوده است، بنده به‌خاطر ندارم. الان شاهد یک همگرایی ویژه در تمام رسانه‌های روسیه درباره سفر رئیسی به این کشور هستیم و نحوه پوشش اخبار پیرامون این سفر در رسانه‌های روسیه نشانه مثبتی است. نکته دوم آن است